

# آینده پژوهی راهبردهای امریکا برای مقابله با ایران بر پایه سناریونویسی

محمد علی برزنونی<sup>۱</sup>

فرشید فرهادی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۷

نشریه آفاق امنیت / سال سیزدهم / شماره چهل و ششم - بهار ۱۳۹۹

## چکیده

اهمیت پژوهش بدین جهت است که اقدامات امریکا در قالب قدرت نرم، جنگ نرم و ترکیبی و سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها در طول چند سال اخیر، جمهوری اسلامی ایران را با تهدیدهای اساسی و هزینه‌های فراوان سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی در آینده روبه‌رو خواهد کرد. بنابراین، آینده‌پژوهی تهدیدات امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در قالب سناریوهای مختلف از ضرورت اساسی برخوردار است. در این راستا، موضوع پژوهش حاضر نیز پاسخ به این پرسش است که راهبردهای امریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در آینده کدامند؟ یافته‌های پژوهش در چهارچوب آینده‌پژوهی و به‌روش سناریونویسی (سناریوپردازی) حاکی از سناریوهای احتمالی چون افزایش حداکثری تحریم‌های اقتصادی و تغییر نگرش مردم نسبت به حکومت و سناریوی ممکن در قالب آشوب سیاسی و اجتماعی و در نهایت، سناریوی مطلوبی چون آغاز دور جدید مذاکرات است.

## واژگان کلیدی

آینده‌پژوهی، فشار حداکثری، آشوب، تحریف، مذاکره، سناریونویسی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

mbarzanooni123@ihu.ac.ir

farshid.farhadi18@yahoo.com

۱. نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین(ع)

## مقدمه

در زمان حکومت پهلوی دوم، ایران و امریکا روابط دوستانه و مستحکمی با یکدیگر داشتند. در این زمان ایران متحد راهبردی جبهه غرب در منطقه محسوب می‌شد. در چارچوب ترتیبات امنیت منطقه‌ای همچون «سنتو<sup>۱</sup>» و «نظام دو ستونی» ایران به‌عنوان رکن اساسی و یا به‌عبارتی ستون نظامی حفظ امنیت در منطقه در مقابله با جبهه کمونیسم به‌شمار می‌رفت. اهمیت جایگاه ایران برای مقابله با کمونیسم شوروی در سیاست خارجی امریکا به حدی بود که حتی روابط امریکا با دیگر کشورهای منطقه همچون ترکیه، پاکستان و شیخ نشین‌های خلیج فارس را تحت‌الشعاع قرار داده بود (اسدی، ۱۳۸۱: ۴۲۸). اما با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ این روابط متوقف شد و به‌دنبال آن خصومتی عمیق بر روابط دو کشور حاکم شد. از این زمان دولت امریکا اقدامات خصمانه‌ای را برای مقابله و کنترل دولت انقلابی جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفت.

تصرف سفارتخانه امریکا در تهران در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و به‌دنبال آن گروگان گرفتن کارمندان سفارت این کشور در تهران، بهانه‌ای برای شروع و علنی کردن خصومت امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران شد. ابتدا، جیمی کارتر سرمایه‌های ایران در خاک امریکا را به‌صورت غیرقانونی بلوکه کرد. تصورات مربوط به این بحران با تقابل سیاسی و بین‌المللی و محکومیت ایران و معرفی این کشور به‌عنوان کشوری «یاغی<sup>۲</sup>» و پیش‌بینی ناپذیر از سوی امریکا همراه بود و این امر نیز به عمیق‌تر شدن خصومت‌ها منجر شد (cooper and Telfer, 2006: 1). در ادامه این تقابل، در پی ناکامی دولت امریکا در اعمال فشار سیاسی و اقتصادی برای آزادی گروگان‌های این کشور در تهران، جیمی کارتر دستور انجام عملیات آزادسازی را صادر کرد. در این راستا، ارتش این کشور در قالب عملیاتی سری به نام «عملیات پنجه عقاب<sup>۳</sup>» برای آزاد کردن گروگان‌ها در طبرس ناکام ماند.

در ادامه این سیاست خصمانه، با آغاز جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران از سوی عراق، دولت ریگان به حمایت همه‌جانبه از عراق پرداخت. علاوه بر این، دولت ریگان سعی زیادی در راستای منع دیگر کشورها از فروش تسلیحات به ایران در بحبوحه جنگ عراق علیه ایران کرد (Katzman, 2000: 3). در سال ۱۹۸۷ نیروهای امریکایی در خلیج فارس به‌صورت مستقیم وارد درگیری نظامی با نیروهای ایرانی شدند. نقطه اوج اعمال ضدایرانی امریکا در طول جنگ تحمیلی، حمله ناو جنگی وینسنس<sup>۴</sup> به هواپیمای ایرباس

1. Central Treaty Organization
2. Rebel
3. Operation Eagle Claw
4. USS Vincennes (CG-49)



ایران بود که آن را بر فراز خلیج فارس سرنگون کرد؛ که در پی آن همه ۲۹۶ سرنشین غیرنظامی آن کشته شدند.

جرج بوش پدر نیز سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه ایران را استمرار بخشید. بوش پدر با امضای «فرمان امنیت ملی شماره ۲۶» ایران را همچنان تهدید اصلی منافع آمریکا در غرب آسیا معرفی کرد. بوش پدر راهبرد اصلی خود برای مهار ایران را روی آوردن به سیاست «مهار دوجانبه»<sup>۱</sup> اعلام کرد. بوش پدر در تضاد با ایران تلاش گسترده‌ای را برای صلح اعراب و رژیم صهیونیستی به انجام رساند.

در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون سیاست مهار دوجانبه برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا در پیش گرفته شد. سرآغاز این سیاست مهم این پیش فرض مارتین ایندیک دپلمات آمریکایی در اجلاس سالانه سورف بود که عنوان می‌داشت: «سیاست مهار دوجانبه کلینتون در وهله اول از تحلیل این موضوع که رژیم‌های فعلی ایران و عراق هر دو دشمن منافع آمریکا در منطقه هستند سرچشمه می‌گیرد». وی ایران را جدی‌ترین تهدید علیه منافع آمریکا در منطقه غرب آسیا تلقی کرد. در ادامه این ادعا، بیل کلینتون شدیدترین اقدامات را برای مقابله با ایران در پیش گرفت. این دوران مصادف با اعمال شماری از شدیدترین تحریم‌ها علیه ایران بود. در مارس ۱۹۹۵، کلینتون با صدور فرمان اجرایی تجاری آمریکا در صنعت نفت ایران را ممنوع کرد. در ادامه در ماه مه ۱۹۹۵، با صدور فرمان دیگری هرگونه تجارت آمریکا با ایران نیز ممنوع شد (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۵۰). دولت جرج بوش با دیدگاه‌های نومحافظه‌کارانه خود بیش از دولت‌های پیشین بر مقابله با ایران تأکید داشت. جرج بوش در سال ۲۰۰۲ ایران را جزء کشورهای «محور شرارت»<sup>۲</sup> قرار داد و بر لزوم مقابله جدی با این کشور سخن گفت. در سال ۲۰۰۴ جان بولتون اعلام کرد که دولت آمریکا قویاً اعتقاد دارد که ایران به دنبال دستیابی به تسلیحات اتمی است. وی در ژانویه ۲۰۰۵ نیز اعلام کرد که با توجه به حمایت ایران از «تروریسم»<sup>۳</sup>، دستیابی این کشور به سلاح اتمی بسیار خطرناک خواهد بود. علاوه بر این، هم در گزارشی در سال ۲۰۰۵ از سوی کمیته سیاسی ایران و هم در سال ۲۰۰۶ در سند امنیت ملی آمریکا، ایران بزرگترین چالش موجود در سیاست خارجی آمریکا قلمداد شد (احدی، ۱۳۸۷: ۱۲۶). اوضاع نابسامان آمریکا در عراق سبب تجدیدنظر این کشور در راهبردهای خود برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران شد. این وضعیت آمریکا را وارد مذاکره مستقیم با ایران کرد. از

1. Dual Containment
2. Axis of Evil
3. Terrorism

این پس امریکا گرایش به سمت اعمال سیاست «چماق - هویج»<sup>۱</sup> در خصوص ایران متمایل شد؛ که به معنی مذاکره با ایران در کنار اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی است. پیرو این سیاست با وجود آغاز مذاکرات بین دو کشور در سال ۲۰۰۷ شاهد ارسال پرونده اتمی ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد با فشارهای امریکا بودیم. از دیگر راهبردهای دولت بوش برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران طرح ایده «خاورمیانه بزرگ»<sup>۲</sup> بود که سناریویی شوم برای تجزیه ایران و کشورهای منطقه بود. این طرح در نظر داشت تا کشورهای بزرگ منطقه مانند ایران، ترکیه، پاکستان، کشورهای مسلمان قفقاز و رژیم صهیونیستی را در یک نظام اقتصادی به بلوکی با محوریت رژیم صهیونیستی تبدیل کند. در ژوئن سال ۲۰۰۱ امریکا با ادعای واهی دست داشتن ایران در انفجار یک پایگاه نظامی این کشور در عربستان تلاش‌های گسترده‌ای را برای انزوای بین‌المللی ایران شروع کرد. در ادامه اقدامات خصمانه امریکا علیه ایران در سال ۲۰۰۲ این کشور جمهوری اسلامی ایران، عراق و کره شمالی را محور شرارت خواند. در سال ۲۰۰۵ در ادامه تلاش‌ها برای انزوای سیاسی ایران، امریکا رئیس‌جمهور وقت محمود احمدی نژاد را مسئول بحران گروگان‌گیری در سفارت این کشور در تهران دانست. در ادامه تلاش‌های امریکا در دسامبر ۲۰۰۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد متفقاً قطعنامه‌ای را برای اعمال تحریم بر ایران تصویب کرد. به‌طور کلی، مهمترین سیاست دولت بوش در قبال جمهوری اسلامی ایران براندازی<sup>۳</sup> دولت جمهوری اسلامی و جایگزین کردن آن با دولتی دیگر بوده است.

راهبرد باراک اوباما برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران، تکیه هرچه بیشتر بر قدرت نرم امریکا بود. در این راستا مذاکره و راه‌حل سیاسی در دستور کار قرار گرفت. باراک اوباما از زمان مبارزات انتخاباتی نیز پیشنهاد گفت‌وگوی بدون پیش‌شرط با ایران را مطرح کرده بود. از سوی دیگر در این زمان رهبران امریکا راهبرد «براندازی نرم»<sup>۴</sup> را برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران به‌صورت جدی در دستور کار قرار دادند. فعالیت‌ها و اقدامات این کشور در زمان ناآرامی‌های سیاسی ناشی از انتخابات ریاست جمهوری ایران «فتنه ۸۸» در این راستا قابل تفسیر است. راهبرد دیگر دولت اوباما همان‌طور که در زمان مبارزات انتخاباتی وعده داده شده بود، مذاکره مستقیم با جمهوری اسلامی ایران بود. در این راستا مذاکرات فشرده و طولانی بین دو کشور شروع شد. سرانجام، اولین حلقه سلسله اقدام‌های

#### 1. Carrot and stick

در اصطلاح به سیاست ارائه تشویق برای رفتار خوب و ارائه تنبیه برای رفتار بد است. یا به عبارتی به معنی سیاست تهدید و تحبیب به‌کار می‌رود.

#### 2. Greater Middle East

#### 3. Overthrow

#### 4. Soft overthrow



امریکا برای مهار جمهوری اسلامی ایران در قالب برنامه جامع اقدام مشترک «برجام»<sup>۱</sup> شکل گرفت.

دونالد ترامپ در همان نطق‌های اولیه انتخاباتی خود سخن از تمرکز بر مهار، کنترل و تغییر رفتار ایران به میان آورد. او ابتدا گفت که برای این منظور برجام کارایی لازم را ندارد. بنابراین، در اولین اقدام، خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام را عملیاتی کرد و تحریم‌ها را از سرگرفت. ترامپ همچنین قانون وضعیت اضطراری ملی آمریکا در رابطه با ایران<sup>۲</sup> را در سال ۲۰۱۷ تمدید کرد، این قانون به رئیس‌جمهور آمریکا این امکان را می‌دهد که اموال و دارایی‌های ایران را توقیف کند و اساس بسیاری از تحریم‌های آمریکا را تشکیل می‌دهد. دولت ترامپ در اوت ۲۰۱۸ «گروه اقدام ایران»<sup>۳</sup> را به ریاست بریان هوک<sup>۴</sup> برای هماهنگ کردن فعالیت‌های ضدایرانی وزارت خارجه این کشور ایجاد کرد. در چند سال گذشته، این نهاد دولت ترامپ مبتکر شدیدترین تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی بوده است. در صحنه تحولات غرب آسیا نیز دولت ترامپ از سال ۲۰۱۸ آغازگر جنگی نیابتی<sup>۵</sup> علیه ایران شده است. در ادامه این سیاست دولت آمریکا بارها مواضع گروه‌های مقاومت را مورد تهاجم قرار داده است. در ۳ ژانویه ۲۰۲۰ با دستور مستقیم ترامپ نیروهای آمریکایی با بمباران فرودگاه بین‌المللی بغداد<sup>۶</sup> پروژه ترور شهید سلیمانی و ابو مهدی مهندس<sup>۷</sup> را عملیاتی کردند.

به‌طور کلی، آمریکا در طول ۴۰ سال گذشته تلاش‌های گسترده و پیوسته‌ای را برای سرنگونی و تغییر الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران در دستور کار قرار داده است و در این راه طیف گسترده‌ای از اقدامات خصمانه مانند، مقابله مستقیم نظامی، تحریم‌های سیاسی و اقتصادی گسترده، براندازی، حمایت از اقدامات تجزیه‌طلبانه، تلاش برای انزوای سیاسی در جامعه بین‌الملل، جنگ نیابتی و ساماندهی گروه‌های تروریستی را برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران در پیش گرفته است. اهمیت موضوع به این دلیل است که اقدام‌های آمریکا در قالب قدرت نرم<sup>۸</sup> و جنگ نرم<sup>۹</sup> در طول چند سال اخیر جمهوری اسلامی ایران را با تهدیدهای اساسی و هزینه‌های فراوان سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو کرده است. بنابراین، آینده‌نگری درباره اقدامات و راهبردهای آمریکا در

- 
1. Joint Comprehensive Plan of Action
  2. National emergency on Iran
  3. Iran Action Group
  4. Brian H. Hook
  5. Proxy war
  6. Baghdad International Airport air strike

۷. از این حمله با نام عملیات آذرخش کیود یاد می‌شود.

8. Soft power
9. Soft War



سال‌های آینده ضرورت دارد. تلاش برای ترسیم سناریوهای ممکن، مطلوب و محتمل ابزاری است که با توسل به آن می‌توان تلاشی معنادار جهت تعیین آینده‌های بدیل، خلق فرصت‌ها از تهدیدها و اجتناب از اشتباه داشت.

بر اساس آنچه گفته شد این پرسش مهم مطرح می‌شود که راهبردهای امریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در آینده کدامند؟  
در راستای پاسخ به پرسش اصلی تحقیق، تعیین پیشرانها<sup>۱</sup> و عدم قطعیت‌ها و همین‌طور سناریوسازی، پژوهش‌های مرتبط منتشر شده در منابع داخلی و خارجی در قالب جدول ۱ بررسی می‌شود.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	سال	پژوهشگر	عنوان	نتایج	ارزیابی
۱	۱۳۹۵	فرهاد درویشی سه تالئی و زهره همتی	چشم‌انداز راهبرد امریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران	نویسنده سیاست مقابله‌گرایانه توأم با همکاری‌های محدود در مسائل منطقه‌ای را محتمل‌ترین گزینه امریکا در برخورد با ایران در دهه آینده می‌داند.	نویسنده صرفاً به‌صورت کلی به بیان سیاست‌های مقابله‌گرایانه امریکا در قبال ایران پرداخته است.
۲	۱۳۹۱	حمیرا مشیرزاده و هرمز جعفری	قدرت هژمون و دولت‌های انقلابی؛ مطلعه موردی امریکا و جمهوری اسلامی ایران	به‌علت اینکه جمهوری اسلامی ایران نظم موجود جهانی را به‌دلیل ناعادلانه بودن به چالش می‌کشد، ناگزیر در برابر قدرت هژمون به عنوان حافظ وضع موجود قرار می‌گیرد.	این پژوهش آینده جمهوری اسلامی ایران و به‌طور کلی به تهدیداتی که از جانب امریکا برای جمهوری اسلامی ایران در آینده مطرح می‌شود نپرداخته است.
۳	۱۳۹۰	سعیده لطفیان	تحلیل نقشه‌های جنگ اتمی امریکا و برآورد تهدید نظامی برای جمهوری اسلامی ایران	نقشه‌های جنگ و نیروهای اتمی امریکا با ایجاد تنش در سطح بین‌المللی بر امنیت ملی ایران و سایر کشورهای فاقد جنگ‌افزارهای هسته‌ای تأثیر منفی داشته است.	این پژوهش صرفاً به تهدیدهای ناشی از سلاح اتمی امریکا پرداخته و با دیدی تحلیلی - تاریخی به سایر تهدیدات آینده نپرداخته است.
۴	۱۳۸۳	سید جلال دهقانی فیروزآبادی	طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	طرح خاورمیانه بزرگ به‌مثابه یکی از راهکارها و سازوکارهای کائونی در راهبرد پیشگیرانه و مرکز ثقل راهبرد کلان امنیت ملی امریکا به‌منظور مقابله با تهدیدات نامتقارن باعث ایجاد تهدیدات و چالش‌های امنیتی مختلف برای جمهوری اسلامی ایران می‌شود.	نویسنده به‌صورت جزئی به اینکه چه تهدیداتی در چه زمینه‌هایی جمهوری اسلامی ایران با چالش مواجهه می‌شود نپرداخته است.



ادامه جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	سال	پژوهشگر	عنوان	نتایج	ارزیابی
۵	۱۳۹۱	محمد علی بصیری	جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران (ابزارها، روش‌ها و راهکارها)	جنگ نرم یک حرکت پیچیده فکری، فرهنگی با استفاده از سازوکارها و ابزارهای ارتباطی نوین از غرب علیه جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است.	نویسنده صرفاً به توصیف ابعاد مختلف جنگ نرم پرداخته و اشاره‌ای به تهدیدات آن برای جمهوری اسلامی ایران نکرده است.
۶	۱۳۸۹	ابراهیم متقی	ارزیابی مقایسه‌ای تهدیدهای امریکا در برخورد با ایران (۲۰۱۰ - ۲۰۰۱)	نویسنده صرفاً به این مهم می‌پردازد که تهدیدهای امریکا در دوران بوش رویکردی تهاجمی دارد؛ در حالی که در دوران اوباما رویکردی معطوف دارد.	نویسنده اشاره‌ای به ابعاد مختلف تهدیدات امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و اینکه این تهدیدات چه اثرات و بازخوردهایی می‌تواند داشته باشد نکرده است.
۷	۱۳۹۶	محمد رضا چیت‌سازیان و نوذر شفیع‌ی	چشم‌انداز روابط ایران و امریکا تا سال ۲۰۳۰. سناریوهای ممکن	نویسنده دوستی دو کشور، روابط رقابتی و تداوم دشمنی دو کشور را سناریوهای محتمل تا سال ۲۰۳۰ می‌داند.	طول دوره زمانی انتخابی توسط نویسنده طولانی است، که با توجه به عدم قطعیت‌های ناشی از پیچیدگی موضوع بر ابهام سناریوها افزوده است.
۸	۱۳۹۳	حسین رفیع و دیگران	سناریوهای نوین قدرت نرم امریکا علیه ایران	سناریوهای نوین امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر مفهوم قدرت نرم عبارتند از: جنگ روانی رسانه‌ای، تحریم اقتصادی، حقوق بشر، جنگ سایبری، ایران هراسی و فشار بر متحدین منطقه‌ای است.	نویسنده صرفاً بر بعد قدرت نرم تکیه کرده است. حال آنکه برای ارائه دیدگاهی جامع و دوری از تقلیل‌گرایی باید دیگر ابعاد قدرت را نیز مورد توجه قرار داد.
۹	۱۳۹۳	صمد رفعت نژاد و دیگران	سناریوهای حمله نظامی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران	سناریوهای حمله متعارف جهانی تحت هدایت امریکا، حمله نظامی تأثیر محور امریکا به ایران و حملات محدود به تأسیسات هسته‌ای و موشکی به ترتیب نقشه‌های محتمل حمله نظامی امریکا به ایران است.	بر اساس شواهد و قرائن موجود امریکا حداقل در حال حاضر با توجه به تبعات سنگین برخورد نظامی با ایران، برنامه‌ای در این خصوص ندارد.
۱۰	۱۳۹۶	مجید فرخی چشمه سلطانی و سعید عطار	آینده پژوهی حضور امریکا در غرب آسیا	نویسنده در خصوص موضوع سه سناریوی تداوم حضور در غرب آسیا، کاهش حضور در غرب آسیا و خروج کامل از غرب آسیا را مطرح می‌کند.	نویسنده همچنین اشاره‌ای به آثار و پیامدهای احتمالی هرکدام از سناریوها برای جمهوری اسلامی ایران نمی‌کند.

پژوهش‌های فوق بیشتر به زمینه‌ها و ریشه‌های بحران حاکم بر روابط ایران و امریکا پرداخته‌اند. نگاه به آینده راهبردهای امریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران موضوع مهمی است که در پژوهش‌های نامبرده و به‌طور کلی ادبیات حاکم بر این حوزه بدان

پرداخته نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر بر پایه آینده‌پژوهی و سناریونویسی با استفاده از تحقیقات و اطلاعات در دسترس راهبردهای امریکا در آینده برای مقابله با ایران را در قالب سناریوهای مختلف ارزیابی می‌کند.

## بنیان‌های مفهومی و نظری

### از قدرت نرم تا جنگ ترکیبی

#### قدرت نرم

نظریات نای در باب قدرت نرم تا سال ۲۰۰۴ در کتاب «قدرت نرم ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی»<sup>۱</sup> بسط و گسترش یافت و آخرین دیدگاه‌های وی در کتاب جدید او با عنوان «آینده قدرت»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۱ منتشر شد. به‌طور کلی از نظر وی قدرت نرم عبارت است از: توانایی شکل‌دادن به ترجیح‌ها و اولویت‌های دیگران اما نه با استفاده از تحمیل و تطمیع، بلکه از طریق جذب، همکاری و اغوا. البته مشخص است که حتی با این تعریف نیز مضمون و هدف اصلی قدرت، تغییری نکرده و همان تحمیل اراده بر طرف مقابل است؛ امروزه روش‌ها عوض شده و شکلی ملایم‌تر به خود گرفته است؛ در واقع، می‌توان پیشران‌های قدرت نرم را در پارادایم عصر اطلاعات جستجو کرد. وابستگی زیاد کشورها به هم در یک اقتصاد جهانی، گسترش فراوان رسانه‌ها به‌خصوص اینترنت و تشدید تعامل‌ها و ارتباطات جهانی، پرسشگری مردم و تشدید خواست و نقش افکار عمومی در اداره جوامع و غیره، باعث شد تا استفاده از ابزارهای کلاسیک زور و جنگ به‌تدریج مشروعیت و اثربخشی خود را از دست بدهد (نای، ۱۳۸۷).

به این ترتیب بحث قدرت نرم مطرح شد و امروزه قدرت نرم نه به‌عنوان یک نظریه، بلکه به‌عنوان یک شیوه عمل مورد استفاده حکومت‌ها قرار می‌گیرد و کاربرد روبه‌افزایشی نیز برای آن متصور است؛ به‌نحوی که می‌توان آن را شیوه نوین استعمار غرب دانست. گرچه نظریه قدرت نرم به‌ظاهر و در نگاه اول اشاره مستقیمی به جنگ نرم ندارد، ولی عملکرد واقعی و هدف غایی قدرت نرم چیزی جز «کسب سلطه» با روشی متفاوت نسبت به شیوه‌های کلاسیک نیست. به همین لحاظ، وقتی بنیادهای اندیشه دو طرف به‌صورت ریشه‌ای در تضادی عمیق قرار دارد، نمی‌توان حتی در عرصه قدرت نرم این تقابل را جز جنگ چیز دیگری تلقی نمود. به همین اعتبار، می‌توان فعالیت‌های سلطه‌جویانه غرب را که طی سال‌های اخیر در سخنان امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تحت عناوینی همچون:

1. Soft Power: The Means to Success in World Politics
2. The Future of Power





تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، سلطه فرهنگی، جنگ فرهنگی، جنگ نرم و امثال آن مطرح کرد.

### جنگ نرم

به دلیل تأثیر قدرت بر ابعاد، ماهیت و شیوه‌ها و ابزارهای جنگ با تغییر ماهیت قدرت، از سخت به نرم، ماهیت جنگ نیز امروزه متحول شده است و در کنار جنگ سخت از نوع نوینی از آن تحت عنوان جنگ نرم نیز یاد می‌کنند. به طور کلی تحول معرفتی در حوزه‌های مطالعات انسان‌شناختی، قدرت‌شناسی، امنیت‌پژوهی و دانش‌پژوهی جنگ، به جابه‌جایی گفتمان سخت‌افزاری جنگ با جنگ نرم منجر شده است و بر این اساس، دانش جنگ نرم در تعامل و تضارب معرفت‌های مختلف از بروز گسست‌ها و زاویه‌های رویکردهای معرفتی سر بر آورده است. به نحوی که بر اثر انباشتگی و تراکم معرفتی در چارچوب روابط قدرت در غرب، دانش نوینی از جنگ بروز و ظهور کرد که ماهیت نرم‌افزاری دارد (باقری چوکامی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). به طور کلی، تغییر و تحول و گذار از قدرت سخت به نرم، باعث شده است مفهوم جنگ فاصله بیشتری با مفهوم جنگ کلاسیک پیدا کرده و تمایل زیادتری به استفاده نرم‌افزارانه در جنگ پیدا شود. به بیان دیگر، این رهیافت به جای فرایند قدرت، بر قدرت فرایند تأکید دارد؛ یعنی بر مداخله آشکار، مشهود و بالفعل کمتر پافشاری داشته، بیشتر بر شیوه پنهان و مخفی، مداخله نظام‌مند و تولید و تنظیم ترجیح‌ها اصرار دارد. این آموزه معرفتی آن‌چنان که گالبرایت<sup>۱</sup> در مفهوم قدرت شرطی<sup>۲</sup> مطرح ساخت، با تغییر اعتقاد فرد اعمال می‌شود؛ یعنی تشویق و ترغیب، آموزش، یا تعهد اجتماعی نسبت به چیزی که طبیعی، صحیح یا به حق است، موجب تسلیم فرد در برابر خواست دیگری یا دیگران می‌شود (امیری، ۱۳۹۰).

### جنگ ترکیبی<sup>۳</sup>

با وجود تغییر ماهیت قدرت و پیدایش نوع جدیدی از قدرت تحت عنوان قدرت نرم، هنوز قدرت سخت جایگاه و اهمیت خود را حفظ کرده است. از سوی دیگر نمی‌توان منکر نقش و اهمیت قدرت نرم در راهبرد کشورها برای دستیابی به اهداف خود شد. بنابراین، نوع جدیدی از جنگ که ترکیبی از ابزار سخت و نرم است تحت عنوان جنگ ترکیبی مطرح است. جنگ ترکیبی دارای ابعاد مختلف، سیاسی<sup>۴</sup>، اقتصادی<sup>۵</sup>، نظامی<sup>۱</sup>، شناختی<sup>۲</sup>،

1. John Kenneth Galbraith
2. Conditional Power
3. Hybrid war
4. Political
5. Economic

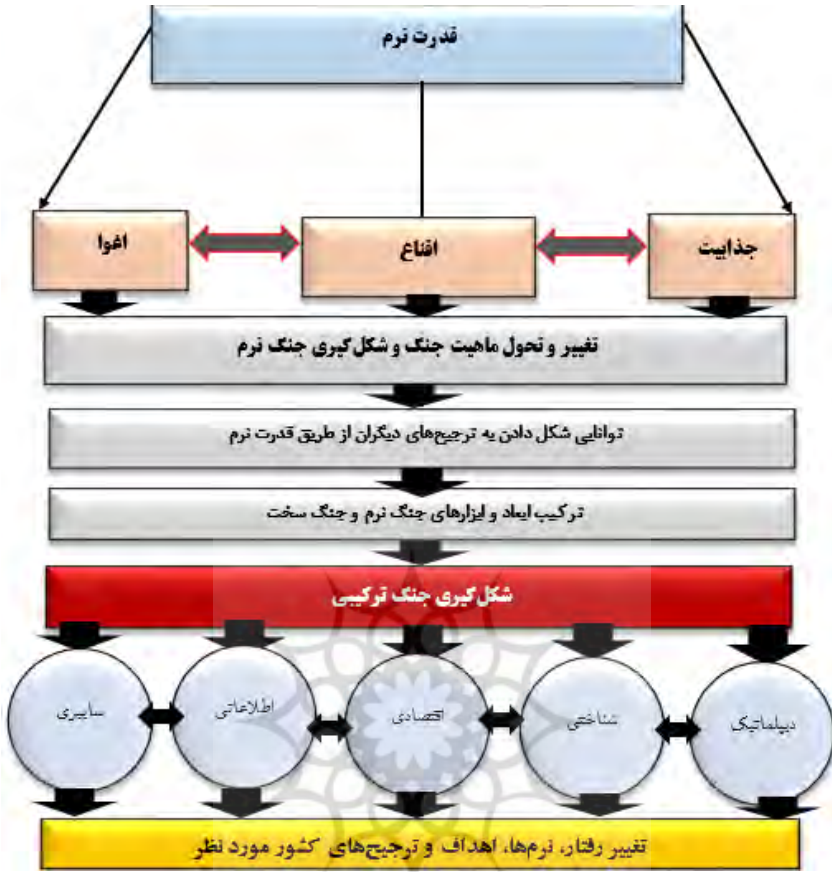
اطلاعاتی<sup>۳</sup> و سایبری<sup>۴</sup> است. این جنگ یک تهاجم تمام‌عیار در عرصه‌های مختلف علیه واحد مورد نظر است. راهبرد جنگ ترکیبی به‌چالش کشیدن کشور مورد نظر در ابعاد مختلف و در زمینه‌های گوناگون است. هدف نهایی نیز فشار و تهدید همه‌جانبه برای تغییر رفتار است. به‌طور کلی، جدیدترین و پیچیده‌ترین سبک جنگیدن که تاکنون مطرح شده، جنگ‌های ترکیبی است. جنگ ترکیبی، به‌کارگیری هم‌زمان و توأمان ترکیبی از ابزارهای متعارف<sup>۵</sup>، نامنظم و نامتقارن<sup>۶</sup> است و اینکه جنگ ترکیبی شامل استفاده یک بازیگر دولتی یا غیردولتی از همه ابزارهای در دسترس دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی با هدف ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف است. عناصر جنگ ترکیبی عبارت‌اند از:

- حضور عناصر عمده نیروهای منظم و نامنظم دولتی و غیردولتی؛
- مشارکت راهبردی، فرماندهی چندوجهی؛
- اقدام هم‌زمان؛
- ابزارهای چندوجهی؛
- تهدیدها به‌شکل سریع؛
- فقدان دکترین عملیاتی مشخص (پرواس و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۳).



- 
1. Military
  2. Cognitive
  3. Intelligence
  4. Cyber
  5. Conventional
  6. Asymmetric

## مدل مفهومی و نظری



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهشگران

### شناسایی بازیگران و عوامل تأثیرگذار

راهبردهای امنیتی امریکا برای جمهوری اسلامی ایران به میزان زیادی به مجموعه بازیگران داخلی و همین‌طور محیط بین‌الملل بستگی دارد. این بازیگران به میزان زیادی به یکدیگر وابسته هستند و در طرح سناریو درباره راهبردهای امنیتی از سوی امریکا درباره ایران نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. این بازیگران به‌طور کلی عبارتند از:

#### رهبران و تصمیم‌گیرندگان

کشورها موجودیت‌های انتزاعی هستند که رهبران به نمایندگی از آنها تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند. بر این اساس، رهبران ملی براساس میزان قدرتی که برخوردار هستند، نقش



مهمی در جهت‌دهی به راهبردها و سیاست‌های یک کشور دارند. در این سطح متغیرهایی مانند ویژگی‌های فردی، برداشت‌ها و تصورات، سبک رهبری، پایگاه سیاسی و طبقاتی و شیوه تصمیم‌گیری ارزیابی می‌شوند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۷۰). تصمیمات رئیس‌جمهور امریکا نه‌تنها بر زندگی ساکنان این کشور، بلکه بر زندگی میلیون‌ها انسان در سرتاسر جهان، تأثیر می‌گذارد. بنیان‌گذاران امریکا با آمیختن قدرت رئیس‌حکومت و ملت، به‌دنبال ایجاد نوعی حکومت بودند که در آن رئیس‌جمهور ضمن همکاری با قوه مقننه بتواند در لحظات حساس تصمیمات جدی را یک‌تنه اتخاذ کند. بر همین اساس، قانون اساسی امریکا قدرت فراوانی را در اختیار رئیس‌جمهور قرار داده است؛ قدرت او در امریکا از ۲۲۰ سال گذشته روبه افزایش بوده است (Greenberg, Edward and Benjamin, 1997: 395 - 396). در شرایط حاضر، دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور امریکا فردی ایدئولوژیک نیست و بارها از لزوم تقدم راهبرد بر ایدئولوژی سخن گفته است. رویکرد دونالد ترامپ و همچنین برخی از اعضای دولت مانند جیمز متیس<sup>۱</sup>، رکس تیلرسون<sup>۲</sup>، جان کلی<sup>۳</sup> و مک مستر<sup>۴</sup> و حتی مایک پمپئو<sup>۵</sup> بیشتر عمل‌گرا و واقع‌گرا هستند تا ایدئولوژیک. استفن والت<sup>۶</sup> اندیشمند نواقوع‌گرا دو جنبه از اصول واقع‌گرایانه را در اظهارات ترامپ چنین برمی‌شمارد:

الف. برخی از دیدگاه‌های ترامپ مانند انتقادات او از اشتباهات گذشته همچون جنگ عراق، ترامپ را در صف مخالفان واقع‌گرای آن جنگ قرار می‌دهد.

ب. ترامپ عنوان داشته است که بد نیست برخی متحدان منطقه‌ای امریکا همچون ژاپن و کره جنوبی سلاح هسته‌ای داشته باشند.

ترامپ همچنین در زمره نومحافظه‌کاران<sup>۷</sup> یا مداخله‌گرایان لیبرال<sup>۸</sup> جای نمی‌گیرد، چراکه معتقد است باور آنها به ارزش‌های امریکایی مانع از درک درست منافع اصلی امریکا و محدودیت‌های قدرت این کشور می‌شود. او در ردیف دیپلمات‌های چندجانبه‌گرا<sup>۹</sup> نیز جای ندارد، چراکه بیش از حد به سازش تمایل دارند. در نهایت ترامپ در دسته کسانی است که استفاده از دیپلماسی فشار<sup>۱۰</sup> را راهبردی کارآمد برای مقابله با چالشگران می‌داند (Brooks, 2016: 4 - 5). در این راستا افزایش حداکثری فشار تحریم‌های اقتصادی بر

1. James Mattis
2. Rex Tillerson
3. John F. Kelly
4. H. R. McMaster
5. Michael Richard Pompeo
6. Stephen Walt
7. Neo-Conservatism
8. liberal interventionism
9. Multilateralism
10. Coercive Diplomacy



جمهوری اسلامی ایران در دستور کار دولت ترامپ است. چنان که پس از امضای دستور اجرایی بازگشت مرحله اول تحریم‌ها علیه ایران ترامپ هدف دولت خود را افزایش حداکثری تحریم‌ها و در این راستا اعلام کرد: «برجام پول زیادی در اختیار دولت ایران قرار داد تا این کشور در غرب آسیا ناآرامی و بی‌ثباتی ایجاد کند. سیاست آمریکا وارد کردن حداکثر فشار اقتصادی ممکن به دولت ایران است» (ایلنا، ۱۳۹۷: منابع اینترنتی). به‌خصوص که این سیاست از سوی تندروهایی همچون جان بولتون<sup>۱</sup> نیز در کاخ سفید حمایت می‌شود؛ که به‌دنبال برخورد حداکثری و سخت با دولت‌های چالشگری همچون جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی هستند.

## افکار عمومی<sup>۲</sup>

رؤسای جمهور آمریکا از یک سو در داخل مجبورند تصمیمات خود را با توجه به افکار عمومی بگیرند و به نهادهایی که افکار عمومی را می‌سازند توجه ویژه داشته باشند. از سوی دیگر در بعد خارج نیز یکی از راهبردهای آمریکا تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورهای چالشگر بوده است. نهادهای شکل‌دهنده به افکار عمومی در مواجهه با مردم با انبوهی از رسانه‌های مجازی، تصویری و مکتوب تلاش می‌کند جامعه را به این باور برساند که اوضاع امروز محصول ناکارآمدی افراد و جریان‌های سیاسی است که در آوردگاه‌های انتخاباتی شعارهای دهان‌پرکن سر می‌دادند و امروز توانمندی لازم برای بهبود اوضاع مردم را ندارند (امجد، ۱۳۹۰: ۱۶۴). بنابراین، افکار عمومی متغیر مهمی در محیط سیاسی آمریکا هستند که در بحث از سیاست‌ها و راهبردهای این کشور در داخل و خارج باید از آنها به‌عنوان متغیری تأثیرگذار یاد کرد.

## تجارب پیشین

دونالد ترامپ با استفاده از تجارب پیشین آمریکا در مقابله با واحدهای چالشگر به‌دنبال اعمال سیاستی مشابه ریگان در قبال شوروی، ایران و کره شمالی است. در این زمینه حتی برخی از افراد حاضر در دولت ترامپ معتقدند حکومت جمهوری اسلامی ایران هم اکنون شرایطی مشابه شوروی دهه ۱۹۸۰ دارد و می‌توان با در پیش گرفتن رویکردی ریگانی، به فروپاشی آن یاری رساند. دولت ترامپ مجموعه اقدام‌های حساب شده اطلاعاتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته است (راباسا و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۵). در همین راستا مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا و رئیس سابق سازمان سیا در زمان تصدی بر این سازمان بزرگ‌ترین مشکل این سازمان را که

اخبارگیری از ایران بود، حل کرد. پمپئو در چند سال اخیر بخش سازمان سیا را که مربوط به اخبارگیری از ایران است، بسیار فربه کرده است. این به معنی ارتباط برقرار کردن با طیف وسیعی از دشمنان انقلاب از غربی‌ها گرفته تا منافقین و سلطنت‌طلبان و جریان ضدانقلاب داخلی است.

### متحدان منطقه‌ای و جهانی

با خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق هسته‌ای مابین این کشور و متحدان اروپایی آن بر سر مسائل و موضوعات مربوط به جمهوری اسلامی ایران، شکاف و دوگانگی شکل گرفته است. از یک سو آمریکا توافق هسته‌ای موجود را مکانیسمی کارآمد برای مهار و کنترل دستیابی جمهوری اسلامی ایران به سلاح هسته‌ای نمی‌داند و از سوی دیگر سران اتحادیه اروپا با نقد اقدامات یک‌جانبه آمریکا، توافق هسته‌ای موجود را ابزار کارآمدی برای مقابله با ایران می‌دانند. در همین راستا سران اتحادیه اروپا بعد از خروج آمریکا با ارائه مشوق‌هایی به ایران من جمله ایجاد کانال مالی (اینستکس)<sup>۱</sup> به دنبال حفظ توافق هسته‌ای موجود هستند. همچنین اتحادیه اروپا که پس از هجوم یک‌جانبه آمریکا به عراق نفوذ گذشته خود در منطقه غرب آسیا را بیش از پیش از دست داده است، در تلاش است تا با حل دیپلماتیک بحران هسته‌ای مابین ایران و آمریکا افزون بر نگهداری ایران به تعهدات هسته‌ای خود، یک شریک باثبات و بانفوذ در منطقه نیز داشته باشد (بصیری و قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۰۵). به‌طور کلی، اختلافات مطرح مابین آمریکا و اتحادیه اروپا بر سر موضوع هسته‌ای ایران که با خروج یک‌جانبه این کشور از برنامه جامع اقدام مشترک شکل گرفته است نیز تا حدودی از شدت عمل اقدامات آمریکا علیه ایران خواهد کاست. چراکه دولت آمریکا برای فشار حداکثری به جمهوری اسلامی ایران نیازمند اجماع جهانی متشکل از متحدان اروپایی خود است. چنان‌که تلاش آمریکا برای ایجاد ائتلاف دریایی - نظامی در خلیج فارس برای مقابله با ایران با مخالفت فرانسه و آلمان و برخی دیگر از متحدین اروپایی آمریکا روبه‌رو شد. هرچند که رفتار مایوس‌کننده اتحادیه اروپا در برابر بحران هسته‌ای ایران و آمریکا، به‌روشنی گویای آن است که باوجود تلاش‌های بسیاری که برای تقویت توان مدیریت بحران شده است، اروپا هنوز فاصله بسیار زیادی با یک بازیگر مستقل و پویا در بحران‌های بین‌المللی دارد.



1. Instrument in Support of Trade Exchanges

## تجارب پیشین آمریکا در برخورد با دولت‌های چالشگر

در نظام بین‌الملل نظم بیانگر ثباتی است که در الگوی مفروضات، قواعد و رویه‌هایی که در میان اعضای جامعه بین‌الملل مشروع شناخته می‌شود، وجود دارد (Armstrong, 1993: 6). در جامعه بین‌الملل و در ترتیبات حاکم، نظم به سود کارگزاران خاصی که معمولاً قدرتمندترین واحدها هستند، می‌باشد. به این دلیل که این بازیگران، مسلط بر نظام بین‌الملل هستند که به ترتیب حاکم بر نظام بین‌الملل شکل می‌دهند. نظم مسلط دولت هژمون همواره از سوی دولت‌های چالشگر به چالش کشیده شده است. بنابراین، از آنجا که دولت‌های چالشگر نه تنها نظم موجود بلکه منافع دولت‌های خاص و به ویژه قدرت‌های برتر نظام را به چالش می‌کشند، در نتیجه قدرت برتر نظام بین‌الملل ناگزیر با دولت‌های انقلابی اصطکاک پیدا می‌کند. بعد از پایان جنگ جهانی دوم آمریکا در کنار شوروی به عنوان قدرت برتر نظام بین‌الملل مطرح شدند. تعارضات و تهدیدات ایدئولوژیک و ژئواستراتژیک شوروی علیه بلوک سرمایه‌داری به رهبری آمریکا سبب شکل‌گیری جنگ سرد در فضای دوقطبی نظام بین‌الملل شد. بنابراین، آمریکا در اولین تقابل جدی با چالشگری شوروی علیه نظم بین‌الملل روبه‌رو بود. در طول دوران جنگ سرد تلاش‌های آمریکا برای شبکه‌سازی ضدکمونیستی که با هدایت سازمان سیا بود، نقش مهمی در متلاشی کردن جبهه کمونیستی از طریق تأثیرگذاری بر روشنفکران و تصمیم‌گیرانی مانند گورباچف داشت. آمریکا با شبکه‌سازی از طریق تهاجم اطلاعاتی در بخش‌های مختلف جامعه شوروی نفوذ کرده بود و با ایجاد شبکه‌های دموکراسی رهبر شوروی را مجبور به تن دادن به سیاست‌هایی مانند گلاسنوست<sup>۱</sup> (فضای باز سیاسی) و پرستوریکا<sup>۲</sup> (اصلاحات اقتصادی) کرد که همین نیز شوروی را در ورطه فروپاشی قرار داد (راباسا و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۲). در بحران ویتنام آمریکا برای مقابله با چالشگری گروه‌های کمونیستی در این کشور از ابزار نظامی استفاده کرد و به صورت مستقیم وارد جنگ شد. در ارتباط با حکومت دکتر مصدق در ایران و سالوادور آلنده در شیلی آمریکا راهبرد کودتا<sup>۳</sup> را انتخاب کرد. در بحران موشکی کوبا آمریکا در پی اقدام شوروی راهبرد تهدید به کارگیری زور را اتخاذ کرد (شولزینگر، ۱۳۷۹). در قالب مداخله خارجی آمریکا از الگوهای متعددی نیز بهره گرفته است، از جمله الگوی براندازی، کودتا، مانور نظامی<sup>۴</sup>، پیمان‌های امنیتی<sup>۵</sup>، کمک امنیتی<sup>۶</sup> به گروه‌های

1. Glasnost
2. Perestroika
3. Coup
4. Military exercise
5. Security agreements
6. Security Assistance

مخالف دولت‌های مورد نظر در منطقه، بهره‌گیری از نهادهای بین‌المللی، حمله نظامی، اتحاد و ائتلاف<sup>۱</sup> از آن جمله می‌باشد. داده‌های زیر گویای چنین واقعیت‌هایی می‌باشند.

جدول ۲. راهبردهای امریکا در برخورد با دولت‌های چالشگر (مطالعه موردی در غرب آسیا از ۱۹۴۵-۲۰۰۳)

۱۹۴۶: تهدید ترومن به بمباران شوروی در صورت عدم عقب‌نشینی از کردستان، آذربایجان و شمال ایران
۱۹۴۷: تصویب قطعنامه‌ای از سوی امریکا در سازمان ملل مبنی بر تقسیم فلسطین به دو دولت عربی و صهیونیستی
۱۹۴۹: سازمان سیا در سوریه کودتایی طراحی و زعیم را به قدرت رساند.
۱۹۵۳: سیا حکومت مصدق را در ایران طی یک کودتا ساقط کرد.
سال ۱۹۵۵ استقرار سیستم راداری قدرتمند جاسوسی از شوروی در خاک ترکیه
موضوع کانال سوئز و مداخله امریکا
سال ۱۹۵۶ طراحی کودتا در سوریه به منظور سرنگونی حکومت چپ‌گراها در سوریه
سال ۱۹۵۷ کمک به شاه حسین در سرکوب مخالفان داخلی در اردن
۱۹۶۰: حمایت امریکا از قبایل کرد برای سرنگونی حکومت عراق
۱۹۷۳: پرداخت ۲/۲ میلیون دلار کمک نظامی به اسرائیل، مصر و حمله سوریه برای دستیابی مجدد به بلندی‌های جولان و حرکت نیروهای امریکا به سمت منطقه
۱۹۷۳ - ۱۹۷۵ حمایت امریکا از شورشیان کرد عراق برای تقویت ایران
۱۹۷۹: حمایت از نیروهای نظامی برای ساقط کردن حکومت یمن جنوبی
۱۹۷۹: کارتر اعلام نمود که خلیج فارس منطقه حیاتی برای امریکا است و برای تأمین جریان نفت آماده جنگ می‌باشد.
۱۹۷۹: تسلیح مجاهدین در افغانستان
۱۹۸۰: شروع به استقرار نیروهای واکنش سریع
۱۹۸۰: حمله عراق به ایران با حمایت امریکا
کمک به قتل و ترور احمد دلیمی فرمانده نظامی مراکشی که خواهان برکناری پادشاه مراکش متمایل به امریکا بود.
برگزاری مانور نظامی در سواحل لیبی برای ترساندن قذافی
۱۹۸۶: حمله بمبافکن‌های امریکا به تأسیسات نظامی لیبی
۱۹۸۷: اعزام ناوگان امریکا به خلیج فارس برای حمایت از کشتی‌های نفتی عراق
۱۹۹۱: عملیات طوفان صحرا
۱۹۹۵: تحمیل تحریم‌های سنگین نفتی علیه ایران
۱۹۹۸: عملیات روباه صحرا توسط امریکا و انگلیس علیه عراق
اکتبر ۲۰۰۱: شروع به بمباران افغانستان به نام جنگ علیه تروریسم جهانی
مارس ۲۰۰۳: حمله به عراق

منبع: (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۱۸).



بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و مطرح شدن ایران به عنوان دولتی انقلابی از یک طرف و همچنین از سوی دیگر هژمونی آمریکا بعد از پایان جنگ سرد، شاهد تقابل و اصطکاک این کشور و جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولتی انقلابی هستیم. هرگاه دولت هژمون از اقتدار و مشروعیت بیشتری برخوردار باشد، بیشتر گرایش به به کارگیری اقناع و پاداش دارد و در سوی مقابل هر قدر در اقناع ناکام تر شود و کاهش منابع قدرت نیز سبب محدودیت استفاده از پاداش شود، بیشتر به سمت زور، تهدید و اجبار حرکت می کند (Cox, 1981). در سال های پایانی جنگ تحمیلی هشت ساله، آمریکا وارد درگیری مستقیم نظامی با جمهوری اسلامی ایران شد. به نظر می رسد در قبال دولت های انقلابی دولت هژمون بیشتر از راهبرد دیپلماسی فشار استفاده می کند. دیپلماسی فشار راهبردی است که در آن یک کشور در جهت متقاعد کردن طرف مقابل از تهدید به زور و در صورت لزوم استفاده محدود، گزینشی، ناپیوسته و کنترل شده از زور را در دستور کار قرار می دهند (امینیان و زمانی، ۱۳۹۶: ۲۵). تجربه مذاکرات هسته ای میان ایران و آمریکا که در نهایت به برنامه جامع اقدام مشترک «برجام» ختم شد، در این رابطه قابل ذکر است. نقش مذاکره و راهبرد دیپلماسی در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران در موضوعات بحران گروگان گیری، بحران افغانستان بعد از ۱۱ سپتامبر و سرنوشت عراق پس از صدام نیز برجسته است (ظریف، ۱۳۹۷: ۲۶ - ۵). از دیگر ابزارهای دولت هژمون برای مقابله با دولت انقلابی، تحریم های مالی و تجاری<sup>۱</sup> است. تحریم های مالی در مقایسه با تحریم های تجاری شرایط دشوارتر و هزینه بیشتری را به دنبال دارند. شدیدترین نوع تحریم های مالی، مسدود کردن دارایی های کشور هدف است که به دنبال آن با قطع کردن جریان مالی به صورت مستقیم و غیرمستقیم مانع از انجام فعالیت های تجاری می شود. در این زمینه می توان به تحریم های خصمانه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته اشاره کرد (بیات، ۱۳۹۱: ۹۴۰ - ۹۴۱).

نهایتاً دولت های هژمون ابزار جنگ را نیز در سطوح مختلف سایبری، اطلاعاتی و حمله مستقیم نظامی علیه دولت چالشگر به کار می گیرد. در این راستا در ژوئن ۲۰۱۰ تأسیسات هسته ای جمهوری اسلامی ایران در نطنز توسط یک بدافزار به نام «استاکس نت<sup>۲</sup>» مورد حمله سایبری واقع شد. طبق گزارش ها، استاکس نت با مشارکت آمریکا و رژیم صهیونیستی برای مقابله با برنامه هسته ای ایران طراحی شده بود (بیزنس اینسایدر، ۲۰۱۳: منابع اینترنتی). آمریکا برای تخریب چهره جمهوری اسلامی ایران در سطح نظام بین المللی

1. Financial and Trade Sanctions
2. Stuxnet

و همچنین ایجاد اجماعی بین‌المللی برای مقابله با این کشور، در ایران‌هراسی و به‌طور هماهنگ تلاش برای نشان دادن اسلام به‌عنوان دین ترور، خشونت، ارباب و خفقان را در طول چند سال گذشته در دستور کار قرار داده است.

به‌طور کلی، هژمونی امریکا، بسته به شرایط مختلف مجموعه‌ای از راهبردهای مختلف را برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در طول چهل سال گذشته به‌کار گرفته است که در یک شمای کلی عبارتند از:

جدول ۳. مهمترین راهبردهای امریکا برای مقابله با ایران

دیپلماسی و مذاکره مجدد	تحریم اقتصادی
آشوب اجتماعی	تهدید نظامی
اقدام نظامی	افکار عمومی
جنگ اطلاعاتی	جنگ سایبری
جنگ نیابتی	اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی
استحاله هویتی و گفتگمانی	نفوذ و شبکه‌سازی

به این ترتیب، می‌توان گفت وقتی امریکا اعمال این سیاست‌ها و راهبردها را در دستور کار قرار داده است، احتمالاً در آینده نیز این موارد اهمیت خود را حفظ خواهند کرد. البته به‌دلیل دخیل بودن عوامل چهارگانه سیاسی، اقتصادی، نظامی - امنیتی و اجتماعی - فرهنگی در این راهبردها، سناریوهای متصور را با عدم قطعیت روبه‌رو خواهد کرد.

### روش‌شناسی پژوهش

روش‌های آینده‌پژوهی بر اساس اهداف، به روش‌های هنجاری<sup>۱</sup> و اکتشافی<sup>۲</sup> تقسیم می‌شوند. مبنای روش‌های هنجاری، ارزش‌ها و هنجارها هستند و از آینده‌های مطلوب سؤال می‌کنند، در حالی که روش‌های اکتشافی به دنبال این هستند که چه چیزی امکان وقوع دارد. علاوه بر این، روش‌های هنجاری آینده‌های مطلوب و باورپذیر ممکن را برای تصمیم‌گیری در زمان حال مشخص می‌کنند، اما روش‌های اکتشافی آینده را بر مبنای گذشته و حال ترسیم می‌کنند. همچنین روش‌های آینده‌پژوهی بر مبنای تکنیک‌های به‌کاررفته به دوگروه کمی و کیفی تقسیم می‌شوند؛ که برخی از این روش‌ها ترکیبی است

1. Normative
2. Exploratory



و تا حدودی بخشی از همهٔ اقسام روش‌ها را در بر می‌گیرد، مثل سناریونویسی که برای این پژوهش انتخاب شده است (مردوخی، ۱۳۹۱).

سناریوها تصاویر آینده‌های ممکن هستند که ترتیب منطقی رویدادها را نشان می‌دهند. در واقع، سناریونویسی فرایندی است که در طی مراحل مختلف صورت می‌گیرد. سناریو ابزاری برای تحلیل سیاست‌ها و شناخت شرایط، تهدیدات، فرصت‌ها، نیازها و ارزش‌های برتر آینده است. به سبب گوناگونی عوامل و نیروهای سازندهٔ آینده و پیچیدگی و تعامل میان آنها پیش‌بینی دقیق آینده با دشواری روبه‌رو است. به‌طور کلی سناریونویسی تلاشی است در راستای مشخص کردن مواردی که برای مطالعه اولویت دارند، تعیین عاملان سیاسی و راهبرد آنها و امکاناتی که برای تحقق اهداف خود دارند و در آخر تحول نظام مورد مطالعه با توجه به تغییر متغیرهای کلیدی (حاجیان، ۱۳۹۰: ۲۶۵).

در سناریونویسی شناسایی نیروهای پیشران و شناسایی عدم قطعیت‌ها اهمیت بالایی دارد. پیشران‌ها مستقل از موضوع و مسئله هستند که بر روی آن تأثیر می‌گذارند. به بیان دیگر، نیروهای پیشران به‌صورتی غیرمستقیم بر حوزه‌های دیگر تأثیرگذارند. در روش سناریونویسی با رویکرد «عدم قطعیت‌های مهم» که «پیتر شوارتز» آن را توسعه داده است (Schwartz, 1996)، شناسایی نیروهای پیشران یکی از گام‌های اساسی رسیدن به سناریوها می‌باشد. بر اساس تجارب پیشین آمریکا در برخورد با دولت‌های چالشگر و همچنین مؤلفه‌های قدرت نرم در راستای براندازی نرم، پیشران‌های کلیدی پژوهش عبارتند از:

۱. **تحریم اقتصادی:** از راهبردهای مهم کشورهای سلطه‌گر در طول تاریخ برای تحت فشار قراردادن کشورهای چالشگر نظم موجود جهانی، فشار اقتصادی در قالب تحریم بوده است. به عبارت دیگر، در صورتی که امکان تهاجم نظامی در قالب جنگ سخت وجود نداشت، تحریم‌ها مهمترین راهبرد جنگ نرم برای فشار و شکستن توان مقاومت دولت چالشگر بوده است.

۲. **افکار عمومی:** نقطهٔ آماج جنگ نرم، افکار عمومی کشور مورد تهاجم است. به عبارت دیگر، جنگ نرم مجموعه‌ای از راهبردها، ابزار و وسایل برای تغییر و تحت‌تأثیر قراردادن افکار عمومی کشور مورد تهاجم است.

۳. آشوب اجتماعی: معمولاً تغییر و دست‌کاری افکار عمومی کشور مورد تهاجم در راستای ایجاد آشوب سیاسی - اجتماعی و به‌طور کلی بی‌ثباتی سیاسی است.

۴. دیپلماسی و مذاکره: دیپلماسی و مذاکره در قالب دیپلماسی اجبار از راهبردهای مهم کشورهای سلطه‌گر برای تغییر الگوی رفتاری کشور چالشگر است. راهبرد غیرنظامی دیپلماسی اجبار به‌جای توسل جستن به جنگ، تلاش می‌کند تا با اقناع‌سازی، کشور هدف را از انجام اقدامات خود باز دارد.

این چهار پیشران، به‌نوعی مهمترین رویکرد و راهبرد امریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در راستای جنگ نرم و جنگ ترکیبی است. پس از مشخص کردن پیشران‌ها، عدم قطعیت‌ها را باید معین کرد. برای شناسایی عدم قطعیت‌های مهم، لازم است اصلی‌ترین عوامل شکل‌گیری بحران در روابط ایران و امریکا را شناسایی کنیم. به‌طور کلی، مهمترین عوامل این بحران عبارتند از:

۱. سلطه‌گری و استکبار امریکا در نظام بین‌الملل؛

۲. استکبارستیزی و نفی سلطه به‌عنوان دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی ایران؛

۳. مداخله‌گری امریکا در غرب آسیا و تلاش برای سیطره بر مجموعه جهان اسلام و مقابله جمهوری اسلامی ایران با اهداف این کشور؛

۴. رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم چالش‌های دو کشور؛

۵. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مهمترین چالشگر نظم جهانی امریکایی؛

در روش عدم قطعیت‌های مهم، موضوعاتی محور اصلی هستند که نه‌تنها اهمیت زیادی دارند، بلکه دارای عدم قطعیت هستند. بر اساس این عدم قطعیت‌ها، راهبردهای امریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در قالب سناریوهای مختلف ترسیم می‌شود. با توجه به پیشران‌های مذکور و عوامل اصلی تأثیرگذار در ابعاد چهارگانه سیاسی، اقتصادی، نظامی - امنیتی و اجتماعی - فرهنگی اکنون می‌توان عدم قطعیت‌های مهم را طبق شکل ۲ شناسایی کرد.



وضعیت نامطلوب		وضعیت مطلوب		
عدم قطعیت‌ها	قطعیت‌ها	عدم قطعیت‌ها	قطعیت‌ها	
شکل‌گیری ائتلاف نظامی برای حمله به ایران	برخورد نظامی گسترده با ایران	اقدام نظامی مشترک در قالب رژیم‌های امنیتی برای ایجاد ثبات در منطقه	همکاری نظامی و امنیتی در کشور	روندهای نظامی - امنیتی
اجماع جهانی علیه برنامه هسته‌ای و موشکی ایران تشدید فشار حداکثری سیاسی	انزوای سیاسی ایران در نظام بین‌الملل	گسترش همکاری‌های سیاسی	حل مناقشات فی مابین ایران و آمریکا به‌طور کلی و در تمامی زمینه‌ها	روندهای سیاسی
تشدید تحریم‌ها ادامه اعمال محدودیت بر سرمایه‌گذاری در ایران	فروپاشی اقتصادی	کاهش تحریم‌ها عضویت ایران در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی	رفع کامل تحریم‌های اقتصادی	روندهای اقتصادی
تلاش برای دستکاری افکار عمومی و تغییر نگرش مردم نسبت به حکومت شیعه‌ستیزی و ایران‌هراسی	استحاله فرهنگی و اجتماعی ایران	توسعه روابط بین فرهنگی	برقراری تعاملات فرهنگی و اجتماعی دو کشور	روندهای اجتماعی - فرهنگی

شکل ۲. وضعیت مطلوب و نامطلوب و عدم قطعیت‌ها در سناریوهای مختلف آمریکا برای مقابله با ایران

با تحلیل پیش‌بینی‌های کلیدی، تعدادی سناریو پردازش می‌شود. این سناریوها در سه‌دسته سناریو یعنی سناریوهای مطلوب یا مرجح<sup>۱</sup>، محتمل<sup>۲</sup> و ممکن<sup>۳</sup> قرار می‌گیرند. سناریوی مطلوب آینده دلخواه و خوشایند یک بازیگر بر اساس قضاوت‌های ارزشی است. از این‌رو می‌توان گفت ذهنی است. از سوی دیگر به‌واسطه آنکه افراد و گروه‌های مختلف قضاوت‌های ارزشی متنوعی دارند، آینده مطلوب برای آنها متفاوت است، یعنی ممکن است آینده‌ای که برای فرد و یا گروهی مطلوب است، برای دیگران نامطلوب باشد. دومین سناریو، سناریوی محتمل است که احتمالاً اتفاق می‌افتد و می‌توان وقوع احتمالات مختلف را برای آنها در نظر گرفت. ادامه یا تغییر وضعیت گذشته، حال و آینده محتمل در نظر گرفته می‌شود. در نهایت، آینده ممکن وضعیتی است که می‌تواند بعدها محقق شود؛ هرچند که ندانیم این آینده چگونه محقق می‌شود (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۱). این مقاله با استفاده از روش سناریونویسی و ترکیب روش‌های هنجاری و اکتشافی و مطالعه همه

1. Preferable Future
2. Probable Future
3. Possible Future

منابع مختلف، سناریوهای قابل تصور برای راهبردهای امریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران را ترسیم می‌کند.

### یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از گام‌های پیشین، اکنون می‌توان راهبردهای امریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران را در قالب سناریوهای سه‌گانه مطلوب، محتمل و ممکن شناسایی و طراحی کرد. با توجه به پیشران‌های کلیدی و عدم قطعیت‌های احتمالی در چهار بعد سیاسی، نظامی - امنیتی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی و روندهای متصور در دو حد نهایی مطلوب و نامطلوب، می‌توان چهار سناریوی امریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران را در راستای جنگ نرم و ترکیبی به‌قرار زیر تدوین و ترسیم کرد:

سناریوی اول: تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران (فشار حداکثری)<sup>۱</sup>

سناریوی دوم: دست‌کاری افکار عمومی از طریق ابزارهای رسانه‌ای (تحریف)  
 سناریوی سوم: تقابل مردم و نظام و ایجاد آشوب اجتماعی (بحران و آشوب)  
 سناریوی چهارم: دیپلماسی فشار و به‌پای میز مذاکره کشاندن دوباره برای دور جدید مذاکرات (میز مذاکره)

### سناریوی محتمل: فشار حداکثری

با توجه به اینکه اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران، نیازمند حمایت و پشتیبانی افکار عمومی، همکاری متحدان راهبردی و حمایت افکار عمومی جهان در حمله به ایران به‌عنوان کشوری موجد ناامنی در جهان است؛ بنابراین، حداقل در کوتاه‌مدت این هدف قابل حصول نخواهد بود. همچنین از سوی دیگر با توجه به توانمندی نظامی ایران برای مقابله با حمله احتمالی از سوی امریکا، هرگونه اقدامی بدون شک باعث شکل‌گیری جنگی تمام‌عیار در منطقه خواهد شد. موضوعی که علاوه بر پیامدهای امنیتی و سیاسی، مصائب اقتصادی بزرگی نیز برای امریکا و اقتصاد سرمایه‌داری با خود به همراه خواهد داشت. چراکه هرگونه جنگی تمام‌عیار در منطقه غرب آسیا امنیت حمل و نقل انرژی را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد و آن را با بحران روبه‌رو خواهد کرد (باوند، ۱۳۸۶: ۶۷). به‌علاوه، پرهزینه بودن حمله و اشغال، ناتوانی در ارزیابی واکنش ایران، وسعت سرزمینی ایران، گسترش بی‌ثباتی در منطقه، از دست دادن اجماع و ائتلاف علیه برنامه هسته‌ای و موشکی و همچنین آنچه که آنان نقش مخرب جمهوری اسلامی ایران در بی‌ثباتی غرب آسیا



می‌دانند، اختلال در جریان کشتی‌رانی بین‌المللی در خلیج فارس، توان واکنش نظامی احتمالی ایران به‌عنوان معمای تقریباً لاینحل برای رهبران آمریکا، ضربه‌پذیری نیروهای نظامی آمریکایی مستقر در منطقه، چاه‌های نفت غرب آسیا و آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی موانعی هستند که همه، مانع حمله مستقیم آمریکا به ایران خواهند شد و اقدام نظامی علیه ایران را به راهبردی دور از دسترس تبدیل می‌کند.

بنابراین، با توجه به نکات گفته شده محتمل‌ترین راهبرد آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران روی آوردن به جنگ نرم و ترکیبی و تکیه بر راهبردهای آن مانند تحریم‌های اقتصادی، مالی، تجاری و فناوری است. با توجه به تداوم راهبرد تحریم‌ها در سیاست خارجی آمریکا علیه ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به‌طور کلی چهل سال گذشته، همچنان تداوم تحریم‌ها به‌عنوان سناریویی محتمل دور از انتظار نخواهد بود. اما آنچه که مهم است، تشدید و تداوم تحریم‌ها در قالب فشار حداکثری برای انسداد کامل کانال‌های مبادلات ارزی ایران و به‌تبع آن بی‌ثباتی اقتصادی و مالی است. دلیل دیگر محتمل بودن راهبرد تحریم‌ها در پیش بودن انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا است. به‌عبارت دیگر دونالد ترامپ با خروج یک‌جانبه از توافق هسته‌ای اولاً، سبب احتمال بازگشت فعالیت‌های هسته‌ای ایران شده است. دوماً، ترامپ جایگزینی برای توافق هسته‌ای در راستای مهار ایران در سیاست خارجی آمریکا نداشته است. سوماً، از دید محافل سیاسی و فکری نیز آنچه را فعالیت‌های مخرب ایران می‌دانند نیز ادامه پیدا کرده است. بنابراین، برای دور بعدی انتخابات این مسائل به‌عنوان چالشی اساسی برای ترامپ مطرح خواهد بود. مجموع این دلایل سبب شده است که سناریوی فشار حداکثری در قالب تحریم‌های اقتصادی و مالی به‌طور جد در دستور کار قرار گیرد (سپتامبر، ۱۳۸۹: ۱۱۹). رهبران آمریکا در تریبون‌های مختلف اولویت سیاست خارجی خود در قبال جمهوری اسلامی ایران را افزایش فشار ناشی از تحریم‌ها اعلام کرده‌اند. در این راستا مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا روز چهارشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۸ در توییتری در شبکه‌های مجازی گفت: «فشار حداکثری بر رژیم جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌یابد» (صدای آمریکا، ۱۳۹۸: منابع اینترنتی). در این راستا، در ابتدا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان بخشی از نیروی نظامی جمهوری اسلامی ایران در اقدامی بی‌سابقه از سوی آمریکا در لیست گروه‌های تروریستی قرار گرفت. در ادامه همچنین رهبری جمهوری اسلامی ایران و وزیر خارجه کشور نیز در لیست تحریم‌های آمریکا قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد مهمترین راهبرد آمریکا در یک سال آینده، فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی ایران در راستای مسدود کردن تمامی روزه‌ها و کانال‌های مالی جمهوری اسلامی

ایران باشد. به عبارت دیگر امریکا تلاش خواهد کرد از یک طرف بازار صادرات نفت ایران را نابود کند و از سوی دیگر به طور هم‌زمان هرگونه کانال مبادله ارزی با ایران که از طریق دور زدن تحریم‌ها ارز در اختیار این کشور قرار می‌دهد را نیز پیدا و مسدود کند. در این رابطه سازمان سیا اقدامات جدی را برای پیدا کردن این کانال‌های مالی در دستور کار قرار داده است. در این رابطه سیگال ماندلکر<sup>۱</sup>، از مقام‌های ارشد وزارت خزانه‌داری امریکا بیان داشت که «وزارت خزانه‌داری همچنان اهداف جدیدی برای تحریم‌ها می‌یابد و عمدتاً هم سعی می‌کند شبکه پیچیده انتقال پول را هدف بگیرد تا مانع از کسب درآمد توسط دولت ایران شود» (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۸: منابع اینترنتی). در همین راستا، برایان هوک نیز چنین گفت: «چیزی که من از شما می‌شنوم این است که سیاست ما خشکاندن منابع مالی ایران برای انجام عملیات‌های منطقه‌ای این کشور است» (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸: منابع اینترنتی). به طور کلی، ارزیابی ترامپ این است که تحریم‌های قبلی بسیار موفق بودند و معتقد است، درست در زمانی که حکومت ایران در اثر تحریم‌ها در حال نابودی بود، او با دادن به مذاکره و توافق هسته‌ای، آن را از شکست حتمی نجات داد. در این راستا هدف ترامپ حداقل در یک سال آینده و حداکثر برای دور دوم ریاست‌جمهوری، فشار حداکثری ناشی از تحریم‌ها و تضعیف قدرت و توان ملی ایران برای شروع دور جدید مذاکرات است.<sup>۲</sup>

### سناریوی محتمل: تحریف

پیچیده شدن فناوری‌های ارتباطی و قدرت گسترش پوشش‌دهی آنها بر سراسر جهان روند تأثیرگذاری بر توده‌ها را افزایش داده است. هربرت مارکوزه<sup>۳</sup> در کتاب انسان تک‌ساختی<sup>۴</sup> به صراحت اعتراف می‌کند: «تبلیغات امروز (غرب) به دنبال آن نیست که درست را از نادرست و حقیقت را از اشتباه بازشناسد، بلکه شخصاً آنچه را بخواهد به صورت حقیقت یا اشتباه به ذهن آدمیان تحمیل می‌کند و آن را در برابر کاری انجام شده قرار می‌دهد». آلون تافلر<sup>۵</sup> نیز، از منتقدان فناوری‌های ارتباطی با پیش‌بینی آینده این وسایل معتقد است: «در بحران‌های سیاسی آینده در جهان، تاکتیک‌های اطلاعاتی حرف اول را خواهند زد. او معتقد است که محور مانورهای قدرت در آینده را همین تاکتیک‌های

1. Sigal Mandelker

۲. نویسنده معتقد است براساس تجارب چهل سال گذشته، حتی در صورت شکست ترامپ در انتخابات و روی کار آمدن دموکرات‌ها دوباره راهبرد تحریم برای مقابله با ایران در دستور کار کاخ سفید خواهد بود.

3. Herbert Marcuse

4. One-Dimensional\_Man

5. Alvin Toffler





اطلاعاتی تشکیل خواهند داد و این تاکتیک‌ها چیزی نیست جز "قدرت دست‌کاری اطلاعات" که بخش عمده آن نیز حتی پیش از آنکه این اطلاعات به رسانه‌ها برسد، انجام خواهد شد». افزون بر تأثیرگذاری رسانه‌ها بر فرهنگ در الگوی مدرن امنیت، رسانه‌ها با ایجاد تحول در باورها، ارزش‌ها، اعتقادات، تصاویر، ادراکات و ذهنیات جامعه، زمینه را برای اقناع و پذیرش فراهم می‌کنند. این وضعیت باعث می‌شود تا پیام‌ها، نمادها، اخبار و اطلاعات اهمیتی خاص پیدا کند. رسانه‌ها در عصر اطلاعات مهمترین نقش را در پوشش خبری رخدادها و تأثیرگذاری بر افکار عمومی ایفا می‌کنند. انواع رسانه‌های مکتوب، دیداری و شنیداری، اینترنتی و دیجیتالی می‌توانند بر نوع شکل‌گیری افکار عمومی تأثیر گذاشته، روندهای سیاسی و اجتماعی هر جامعه را به سمت‌وسوی خاص هدایت کنند. به‌طور کلی، رسانه با ظرفیت‌های خاص خود می‌تواند به منبعی برای تهدید علیه امنیت ملی کشورها در عرصه جنگ نرم تبدیل شوند (ماه پیشانیان، ۱۳۸۹: ۱۶۳ - ۱۶۲).

افزایش اهمیت قدرت نرم به‌عنوان راهبردی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا بسیار زیاد است. این مهم از این پیش‌فرض بنیادین ناشی می‌شود که وسایل ارتباط جمعی در عصر حاضر، جهان‌های ذهنی و غیرواقعی را به دنیا مخابره می‌کنند (کریمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۶). رسانه‌های امریکایی تلاش خواهند کرد از مقوله معضلات و مصائب اقتصادی ناشی از تحریم‌های آمریکا و مهندسی افکار عمومی علیه جمهوری اسلامی ایران در سال‌های آینده نهایت استفاده را برده و از آن در راستای ساختن جهان‌های ذهنی غیرواقعی استفاده کنند. هدف در این راهبرد، ایجاد شکاف بین مردم و حکومت و به‌عبارتی تهی کردن آن از پشتوانه مردمی با دست‌کاری و مهندسی افکار عمومی است. رسانه‌های امریکایی تلاش گسترده و همه‌جانبه‌ای را برای ترسیم و ارائه تصویری شیطنانی از جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج در دستور کار خواهند داشت. به این صورت که تلاش می‌کنند ایران را عامل همه خرابی‌ها و بدی‌ها در منطقه، جهان و حتی داخل کشور خود نشان دهند (پورخوش سعادت‌مند، ۱۳۹۴: ۱۲۸). به‌عبارت دیگر، از دیگر راهبردهای محتمل آمریکا برای جمهوری اسلامی ایران سرمایه‌گذاری بر روی حوزه موضوعی افکار عمومی است. با توجه به تجارب قبلی آمریکا در روبرویی با جمهوری اسلامی ایران که به‌دلیل پشتوانه مردمی و حمایت مردم از نظام اسلامی با شکست روبه‌رو شده است، در اقدام بعدی مهمترین برنامه آمریکا تأثیرگذاری بر نگرش مردم نسبت به انقلاب و ارکان آن است. به‌عبارت دیگر همان‌طور که گفته شد، هدف اصلی، تهی کردن این پشتوانه مردمی است. برای تأثیرگذاری بیشتر بر افکار عمومی رسانه‌های آمریکا هم‌زمان تلاش حداکثری خواهند کرد که شرایط سیاسی و اقتصادی را در کشور بحرانی نشان دهند. هم‌زمان با تشدید



تحریم‌ها، مهمترین تلاش ایجاد رعب و وحشت از تحریم‌ها و تبعات آن مانند فقر در بین مردم است. همچنین تلاش خواهد شد در شرایط جدید در بین مردم یأس و ناامیدی به حداکثر برسد؛ چراکه یأس و ناامیدی عملاً مردم را از هرگونه اقدام باز خواهد داشت. تلاش برای جوسازی رسانه‌ای به منظور مقصر نشان دادن نظام برای مشکلات حادث شده برای مردم، اینکه شرایط ایجاد شده نتیجه ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران است. عصبانی کردن مردم ایران و تغییر و تحریف نگرش آنها نسبت به حکومت مهمترین هدف است. به همین دلیل مقام‌های امریکایی چند ماه پیش وعده «تابستان داغ»<sup>۱</sup> را برای تشدید نابسامانی‌های داخلی ایران سر می‌دادند. به نظر می‌رسد مهمترین ابزارهای دولت امریکا در این رابطه، رسانه‌های ارتباطی اعم از شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی، ماهواره‌ای، اینترنتی، بازی‌های رایانه‌ای و صدها روزنامه و هزاران پایگاه خبری و تبلیغاتی است که هر یک به نحوی با نفوذ و تأثیر در افکار عمومی، درصد ایجاد موج عظیمی از یأس و ناامیدی در جامعه هستند. نفوذ و شبکه‌سازی از نیروهای انسانی، نویسندگان، هنرمندان، نخبگان، تحصیل کرده‌های خارج از کشور، روشن‌فکران، بازرگانان بین‌المللی و کسانی که می‌توانند اسباب نارضایتی عمومی را فراهم کنند، از دیگر ابزارهای مهم هستند.

### سناریوی ممکن: بحران و آشوب

به‌طور همزمان امریکا تلاش خواهد کرد با تشدید تحریم‌ها و تأثیرگذاری بر روان و ذهن مردم و ایجاد شوک‌های اجتماعی به دنبال ایجاد ناامیدی در آنها باشد. امریکا همانند معاویه در صدر اسلام که از تمام ابزارهای خود برای نابودی پشتوانه مردمی امام حسن مجتبی (ع) استفاده کرد، تلاش خواهد کرد مردم و نظام را در کف خیابان‌ها مقابل یکدیگر قرار دهد. در جریان حوادث و ناآرامی‌های سال ۱۳۷۸، ۱۳۸۸، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ رهبران امریکا بارها به‌صراحت حمایت خود را از معترضان و آشوب‌های خیابانی آنها اعلام داشتند (زارعی، ۱۳۹۸: ۴ - ۹). راهبرد آشوب در جمهوری اسلامی ایران از آن جهت برای امریکا حائز اهمیت است که از نظر رهبران این کشور آنها قادر خواهند بود از این طریق با کمترین هزینه‌های ایران را وادار به تغییر الگوی رفتاری خود کنند. به‌عبارت دیگر به‌جای صرف هزینه‌های فراوان، با کمترین هزینه‌های اغتشاشات و آشوب‌های اجتماعی هدایت شده به‌وسیله رسانه‌های جمعی در راستای اهداف موردنظر امریکا فعالیت خواهند کرد. هم‌زمان در صحنه بین‌الملل نیز امریکا در پی تلاش برای ایجاد اجماع بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. تلاش‌های دولت امریکا برای همراه‌سازی کشورهای اروپایی برای



اعمال فشار علیه ایران در قالب طرح ایجاد ائتلاف بزرگ ضدایرانی در کنفرانس ورشو در ۱۳ و ۱۴ فوریه ۲۰۱۹ در همین راستا است. به عبارت دقیق، در چند سال اخیر بحران اقتصادی ناشی از تحریم‌ها در قالب نوسانات شدید ارزی، تورم فزاینده و بیکاری سبب ایجاد مشکلات مضاعف برای مردم شده است. با آگاهی از چنین موضوعی و همچنین قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران که راهبرد تقابل مستقیم نظامی را غیرممکن می‌کند، امریکا با انتخاب راهبرد تحریم و فشار حداکثری ناشی از آن به دنبال تشدید شرایط موجود برای ایجاد شکاف بین مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران است. به صورت هم‌زمان رسانه‌های معاند نیز تلاش خواهند کرد ابتدا با ایجاد یأس و ناامیدی در بین مردم و در مرحله بعد تحریف افکار عمومی در جهت ایجاد آشوب اجتماعی حرکت کنند. لغو یک‌جانبه برجام از سوی دونالد ترامپ و همچنین عدم حصول به نتیجه مشخص به‌عنوان جایگزین آن در رویارویی با ایران نیز سبب انتقادات گسترده‌ای در محافل داخلی این کشور علیه ترامپ شده است. موضوعی که با توجه به نزدیک بودن انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا بر اهمیت نقش آن در نتیجه انتخابات افزوده شده است. به‌طور کلی، آنچه سبب می‌شود وقوع این سناریو در سال‌های آینده ممکن باشد، عبارت است از:

فشارهای ناشی از بحران اقتصادی در داخل؛

تلاش رسانه‌های معاند برای ایجاد یأس و ناامیدی در بین مردم؛

انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا؛

بازدارندگی ایران در برابر امریکا و بنابراین، تلاش برای رویارویی نرم با این کشور؛

### سناریوی مطلوب: میز مذاکره

الگوهای کنترلی قدرت برتر در نظام بین‌الملل ارتباط مستقیمی با جایگاه این کشورها در چرخه جهانی قدرت<sup>۱</sup> دارد. قرار گرفتن در جایگاه هژمون جهانی به قدرت برتر امکان استفاده از الگوی کنترلی یک‌جانبه و گسترده را برای مدیریت الگوهای رفتاری قدرت‌های چالشگر منطقه‌ای می‌دهد. برای مثال امریکا بعد از فروپاشی شوروی و دستیابی به جایگاه هژمونی در نظام بین‌الملل الگوی کنترلی یک‌جانبه و گسترده را برای مدیریت چالش‌های منطقه‌ای در پیش گرفت. عملکرد امریکا در جنگ اول و دوم خلیج فارس و حمله به افغانستان، نمودی از یک‌جانبه‌گرایی این کشور در نظام بین‌الملل است (آقایی، ۱۳۸۸: ۱۹۱). قرارگیری امریکا در سراسیمی نزولی چرخه قدرت در چند سال اخیر، سبب تغییر و تحول اساسی در الگوهای کنترلی این کشور در مدیریت چالش‌های منطقه‌ای شده است.

الگوهای کنترلی چندجانبه و تکیه بر مذاکرات اجبارساز در قالب دیپلماسی اجبار از نمودهای چنین تحولی است (قاسمی و کشاورز شگری، ۱۳۸۸: ۱۶۸). متناسب با این تغییر و تحول انتظار می‌رود سیاست امریکا در قبال ایران در سال‌های آینده، به‌کارگیری هوشمندانه قدرت باشد؛ یعنی ضمن استفاده از ابزارهای سخت نظیر تحریم تسلیحاتی و اقتصادی، به بهره‌گیری از قدرت نرم یا استفاده از جذابیت‌های اقتصادی، مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی و تلاش در ایجاد راه‌هایی برای گفت‌وگو و تعامل با دولت ایران مبادرت کند. بر اساس این سناریو، انتظار می‌رود راهبرد امریکا در قبال ایران در سال‌های آینده، به سمتی رود که گستره و عمق اختلافات مطرح بین دو کشور فضای لازم را جهت گفت‌وگوهای رسمی در همه حوزه‌ها و موضوعات برای حل اختلاف فراهم کند (درویشی و همی، ۱۳۹۵: ۶۵). به‌عبارت دیگر، مهمترین هدف امریکا از اقدامات خود، فراهم کردن شرایط برای مذاکره مجدد در خصوص مسائل هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران است. امریکا برنامه‌ای برای مقابله مستقیم نظامی با جمهوری اسلامی ایران ندارد، موضوعی که بارها در سیاست‌های اعلامی رهبران این کشور نیز به آن اشاره شده است. همان‌طور که براین هوک اشاره می‌کند: «دولت ترامپ دو هدف را در خصوص ایران دنبال می‌کند: خشکاندن منابع مالی ایران برای انجام عملیات‌های منطقه‌ای این کشور و آوردن آن پای میز مذاکره. هوک اضافه کرد که رسیدن به یک توافق هسته‌ای جدید و بهتر راهبرد دولت ترامپ در قبال ایران است» (دویچه وله، ۲۰۱۹: منابع اینترنتی). دونالد ترامپ نیز بعد از ماجرای ساقط شدن پهباد این کشور از سوی جمهوری اسلامی ایران عنوان کرد: «واشنگتن بدون هیچ‌گونه پیش‌شرطی آماده مذاکره مستقیم با ایران است. هرگونه توافق با تهران باید شامل موضوع موشک‌های بالستیک ایرانی نیز باشد» (مشرق، ۱۳۹۸: منابع اینترنتی). موضوع مهم در ارتباط با سناریوی مذاکره این است که حتی با فرض تغییر کادر سیاسی فعلی امریکا (ترامپ)، و روی کار آمدن کادر جدید به رهبری دموکرات‌ها نیز این راهبرد در مقابل ایران در پیش گرفته خواهد شد. این مهم ناشی از دو پیش‌فرض اساسی است که عبارتند از:

- نخست، در سیاست خارجی امریکا در مناطق گوناگون اصولاً راهبرد کلی مشترک و لایتغیر است، اما تاکتیک کادر سیاسی جمهوری‌خواه و دموکرات برای دستیابی به هدف موردنظر متفاوت است. چنانچه در موضوع برجام نیز با وجود مخالفت و خروج دونالد ترامپ از توافق مذکور که در دولت اوباما منعقد شده بود، همچنان خواهان راهبرد مذاکره مجدد با ایران اما بر اساس اصول و قواعد خاص خود است؛

- دوم، قرارگیری امریکا در سرایشی نزولی چرخه قدرت که باعث حرکت این کشور



به سمت الگوهای کنترلی چندجانبه و تکیه بر راهبردهای متکی بر قدرت نرم و هوشمند مانند دیپلماسی اجبار شده است؛

مهمترین شاهد بر این مدعا، سخنان جک سالیوان مشاور سابق اوباما در مذاکرات منتهی به برجام و مشاور حال حاضر جو بایدن، مهمترین رقیب احتمالی ترامپ در انتخابات ۳ نوامبر ۲۰۲۰ ریاست‌جمهوری آمریکا است که چنین عنوان می‌کند: «دولت آیندهٔ دموکرات باید بلافاصله، دیپلماسی هسته‌ای با ایران را تقویت کرده و به دنبال ایجاد توافقی تازه در راستای معاملهٔ هسته‌ای باشد. در حقیقت دولت باید بلافاصله پس از بازگشت به برجام روند مذاکره دربارهٔ توافق‌نامهٔ بعدی را آغاز کند» (راديو ۲۴، ۱۳۹۹: منابع اینترنتی).

به‌طور کلی، آمریکا در شرایط حاضر بر اساس محذورات داخلی و خارجی خود و همین‌طور توانمندی دفاعی جمهوری اسلامی ایران که مقابلهٔ مستقیم نظامی با این کشور را عملاً به گزینه‌ای پرهزینه و دور از دسترس تبدیل کرده است، زنجیره‌ای از مذاکرات دوره‌ای را با هدف نهایی تغییر نُرم‌ها<sup>۱</sup> و الگوی رفتاری آن در دستور کار خواهد داشت. این مهم همان‌طور که گفته شد راهبرد کلی هر دو طیف جمهوری‌خواه و دموکرات در دولت آمریکا است؛ اما تاکتیک این دو گروه برای دستیابی به این هدف متفاوت خواهد بود. آنچه سبب می‌شود وقوع این سناریو حداقل در کوتاه‌مدت با تردید روبه‌رو باشد، تجربهٔ دور قبلی مذاکرات و همین‌طور عمیق‌تر شدن خصومت دو کشور در پی اقدام آمریکا در شهادت سردار سلیمانی است. پس از سال‌ها مذاکرات طولانی و فرسایشی در خصوص مسائل هسته‌ای سرانجام، در تیر ماه ۱۳۹۴ به برنامهٔ جامع اقدام مشترک (برجام) ختم شد. اما دونالد ترامپ با روی کار آمدن خود همان‌طور که در مبارزات انتخاباتی نیز وعده داده بود اقدام به خروج یک‌جانبه از معاهدهٔ مذکور کرد. ترامپ بارها در مواضع اعلامی خود از معاهدهٔ جدیدی که شامل محدودیت‌های بیشتری بر فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران باشد سخن گفته است. آنچه در اینجا اهمیت دارد این موضوع است که رهبران عالی‌رتبهٔ سیاسی و نظامی ایران به دلیل تجربهٔ ناشی از دور قبلی مذاکرات بر رد هرگونه مذاکرهٔ جدید در خصوص مسائل هسته‌ای و من جمله مسائل موشکی تأکید دارند. برای مثال امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در ابتدای درس خارج فقه مقارن با آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۸ حوزه‌های علمیه بر موضوع ممنوعیت مذاکره تأکید کرده و آن را ابزاری برای تحمیل خواسته‌های واشنگتن و اثبات تأثیرگذاری فشار حداکثری بر ایران دانستند (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸: منابع اینترنتی). همچنین در سطح جامعه

نیز به دلیل عدم کارایی دور قبلی مذاکرات و همین‌طور اقدام خصمانه آمریکا در شهادت سردار سلیمانی، افکار عمومی جامعه برخلاف دور قبلی تمایل و رغبتی برای شروع دور جدید مذاکرات ندارد.

## جمع‌بندی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ و مطرح شدن آن به‌عنوان دولتی انقلابی از ابتدا نظم حاکم بر نظام بین‌الملل را به‌چالش کشیده است. از آنجا که نظم بین‌الملل و ترتیبات آن در راستای منافع قدرت مسلط و برتر نظام بین‌الملل است. بنابراین، شاهد رویارویی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دولت انقلابی خواهان تغییر وضعیت موجود و آمریکا به‌عنوان قدرت برتر خواهان حفظ وضع موجود هستیم. به‌دنبال این موضوع به‌طور کلی، در طول چهل سال گذشته، آمریکا و غرب مسیر جسارت را برگزیده و در معنا، خواهان نابودی انقلاب اسلامی ایران هستند.

این پژوهش در راستای تصویرسازی از تهدیدهای آمریکا برای جمهوری اسلامی ایران در سال‌های آینده در قالب سناریوهای مختلف این سؤال را مطرح می‌کند که راهبردهای آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در آینده کدامند؟ در راستای پاسخ به این پرسش بر اساس روش سناریونویسی ابتدا پیشران‌های تحقیق شناسایی شدند. تحریم‌های اقتصادی، تحریف افکار عمومی، آشوب اجتماعی و دیپلماسی و مذاکره مجدد به‌عنوان پیشران‌های کلیدی و نهایی انتخاب شدند؛ سپس در گام بعدی عدم قطعیت‌ها، وضعیت مطلوب و نامطلوب هرکدام از آنها را مشخص کردیم. سپس، در گام بعدی اقدام به تدوین سناریوهای چهارگانه فشار حداکثری، بحران، تحریف و میز مذاکره کردیم. به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش در چهارچوب آینده‌پژوهی و به‌روش سناریونویسی (سناریوپردازی) حاکی از سناریوهای احتمالی چون افزایش حداکثری تحریم‌های اقتصادی و تغییر نگرش مردم نسبت به حکومت و سناریوی ممکن در قالب آشوب سیاسی و اجتماعی و در نهایت، سناریوی مطلوبی چون آغاز دور جدید مذاکرات است.

بر اساس شواهد و قراین موجود سناریوی فشار حداکثری محتمل‌ترین سناریوی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در کوتاه‌مدت است. هرکدام از سناریوهای چهارگانه با یکدیگر در ارتباط می‌باشند؛ به این صورت که آمریکا ابتدا تلاش خواهد کرد با تشدید تحریم‌ها و سپس تحریف افکار عمومی در قالب ایجاد یأس و ناامیدی در بین مردم، همچنین شرطی کردن افکار عمومی جامعه برای دور جدید مذاکرات، زمینه را برای رویارویی مردم و نظام در قالب آشوب اجتماعی فراهم کنند. به این صورت که آنها تلاش خواهند کرد با شرطی



کردن جامعه هرگونه گشایش اقتصادی را در پیوند با دور جدید مذاکرات قرار دهند. چراکه با مخالفت رهبری نظام در خصوص مذاکره مجدد نیاز به سناریوی سوم در قالب رویارویی مردم و نظام در قالب آشوب اجتماعی است. غایت نهایی فراهم کردن شرایط برای دور جدید مذاکرات است.

## منابع

- آقای، سید داوود (۱۳۸۸)، نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، تهران: سرای عدالت.
- اندیشکده راهبردی امنیت نرم (۱۳۸۸)، رهیافت راهبر: تبیین راهبردی جنگ نرم در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی.
- امیری، ابوالفضل (۱۳۹۰)، جنگ نرم از تهدید تا مواجهه، تهران: انتشارات شوریده.
- احدی، افسانه (۱۳۸۷)، نگاه آمریکایی به مناسبات ایران و آمریکا، راهبرد، شماره ۴۷.
- امینیان، بهادر و زمانی، سید حسام (۱۳۹۶)، دیپلماسی اجبارآمیز، تهران: وزارت امور خارجه.
- امجد، محمد (۱۳۹۰)، سیاست و حکومت در آمریکا، تهران: سمت.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۱)، خلیج فارس و مسائل آن، تهران: سمت.
- بصیری، محمد علی (۱۳۹۱)، جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران (روشها، ابزارها و راهکارها)، مطالعات قدرت نرم، سال دوم، ش ۵.
- بصیری، محمد علی و قاسمی، مصطفی (۱۳۸۵)، مواضع آمریکا و اتحادیه اروپا در قبال پرونده هسته‌ای ایران، سیاسی - اقتصادی، ش ۲۲۶.
- باوند، داود (۱۳۸۶)، ایران در چنبره بحران‌های آمریکا: فرصت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، سال نهم، ش ۱.
- بیات، محسن (۱۳۹۱)، تاریخ تحریم ایران؛ تحول در آسیب‌پذیری‌ها و ماهیت تحریم‌ها، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۶.
- باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۲)، تبارشناسی معرفتی جنگ نرم، مجله پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی: ۹۴ - ۷۱.
- پرواس، سید رضا و دیگران (۱۳۹۵)، چیستی جنگ ترکیبی، اشتباهات تکراری در مباحث نظامی، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال ۱۲، ش ۳۷.
- پورخوش سعادت، محمد (۱۳۹۴)، نقش مهندسی افکار عمومی در آمریکا بر روابط بین ایران و آمریکا، مجله مطالعات عملیات روانی، ش ۴۳.



- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۰)، **مبانی، اصول و روش‌های آینده پژوهی**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۳)، **طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال هفتم، ش ۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۴)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: سمت.
- درویشی سه‌تلانی، حمید و همتی، زهره (۱۳۹۵)، **چشم‌انداز راهبرد امریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران**، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال نوزدهم، ش اول.
- راباسا، آنجل و دیگران (۱۳۸۸)، **امریکا و شبکه‌سازی از عناصر میانه‌رو: تجربه جنگ سرد**، تهران: ابرار معاصر تهران.
- رفیع، حسین و دیگران (۱۳۹۳)، **سناریوهای نوین قدرت نرم امریکا علیه ایران**، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، ش ۲۵.
- رفعت نژاد، صمد و دیگران (۱۳۹۴)، **سناریوهای حمله نظامی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران**، **فصلنامه امنیت پژوهی**، ش ۵۲.
- زارعی، سعیدالله (۱۳۹۸)، **واکاوی فتنه اغتشاشات اخیر و حکمت ورود رهبری، مجله پاسدار اسلام**، ش ۴۵۳ و ۴۵۴.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۹)، **سیاست خارجی امریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران**، **دانش سیاسی**، سال ششم، ش ۲.
- شولزینگر، رابرت (۱۳۷۹)، **دیپلماسی امریکا در قرن بیستم**، ترجمه حمید رفیعی مهرآبادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- شفیعی، نوذر و چیت‌سازیان، محمدرضا (۱۳۹۶)، **چشم‌انداز روابط ایران و امریکا تا سال ۲۰۳۰**، **سناریوهای ممکن**، **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره ۶، ش ۴.
- ظریف، محمد جواد (۱۳۹۷)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از درون**، مذاکره مبتنی بر قدرت، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۳۲، شماره ۴.
- عطار، سعید و فرخی چشمه‌سلطانی، مجید (۱۳۹۶)، **آینده‌پژوهی حضور امریکا در غرب آسیا**، **فصلنامه آفاق امنیت**، دوره ۱۰، ش ۳۴.
- عزیززاده، عزیز و همکاران (۱۳۹۱)، **سناریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها**، تهران: نشر اندیشگاه آتی نگار.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)، **نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای**، تهران: میزان.
- قاسمی، فرهاد و کشاورز شکری، عباس (۱۳۸۸)، **نگرشی به سیستم بازدارندگی منطقه‌ای در روابط بین‌الملل**، **مطالعه موردی ایران و امریکا**، **رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، ش ۲۰.





- کریمی، غلامرضا (۱۳۹۲)، دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال تحولات مصر(دوره بعد از مبارک تا برکناری مرسى)، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ش ۱۷.
- لطفیان، سعیده (۱۳۹۰)، تحلیل نقشه‌های جنگ اتمی آمریکا و برآورد تهدید نظامی برای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، ش ۴.
- لیند گرن و باندهودل، ماتیس و هانس (۱۳۹۰)، طراحی سناریو: پیوند بین آینده و راهبرد، ترجمه عزیز تارتار، تهران: انتشارات موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۹)، سلاح‌های رسانه‌ای آمریکا در جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، شماره ۲۷.
- مردوخى، بايزيد (۱۳۹۱)، روش‌شناسی آینده‌نگاری، تهران: نشر نی.
- مشيرزاده، حميرا و جعفرى، هرمز (۱۳۹۱)، قدرت هژمون و دولت‌های انقلابی: مطالعه موردی آمریکا و جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی، دوره ۴، ش ۱.
- متقى، ابراهيم (۱۳۸۹)، ارزیابی مقایسه‌ای تهدیدهای آمریکا در برخورد با ایران (۲۰۱۰ - ۲۰۰۱)، فصلنامه آفاق امنیت، سال سوم، ش ۶.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- Armstrong, David. 1993. *Revolution and World Order*, Oxford: Clarendon Press.
- Brooks, R. 2016. Donald Trump Has a Coherent, Realist Foreign Policy. *Foreign Policy*, April 12
- Cox, Robert. 1981. "Social Forces, States and World Orders" Millennium 10 (2) pp 126\_ 55.
- Cooper and Dizzies Telfair.2006. Misperceptions and Impediments in the US \_ Iran Relationship *The 49 the Parallel E-Journal*.
- Greenberg, Edward and Benjamin Page(1997), *The Struggle for Democracy*, New York, Longman,
- Katzman, Kenneth.2000. The Iran Sanctions Act (ISA)", CRS Report for Congress, January 14. Available at: <http://italy.usembassy.gov/pdf/other/rs20871.pdf>. Last Access 16/7/ 1388.
- Schwartz, P. (1996). *The Art of the Long View: Paths to Strategic Insight for Yourself and Your Company*, New. York: Bantam Doubleday Dell Publication Group.

### منابع اینترنتی

- <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-653427>.
- <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1985055/>
- <https://ir.voanews.com/a/us-iran/5070295.html>

- <https://www.businessinsider.com/us-general-irans-cyber-war-machine-a-force-to-be-reckoned-with-2013-1>.
- <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3538538>.
- <https://www.leader.ir/fa/content/23520/www.leader.ir>
- [www.rouydad24.ir/000toH](http://www.rouydad24.ir/000toH).
- <https://www.mashreghnews.ir/news/968643/>.
- <https://www.dw.com/fa-ir/iran/a-49272009>

